

طرح نو

شهرود



هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی
طبقه متوسط، طبقه‌ای
به آگاهی رسیده

آرزوی دانایی
آب، هوا و گندم داریم

محمد صالح علاء



نگاه روز

پیش‌شرط‌های آگاهی همگانی



آگاهی در پیش‌زمینه‌ای از صفات الهی است. خواننده باید آگاه و آست به بیماری‌های مزمن جهان ما آگاهی به انسان شعوری است. حد آگاهی فریزی به انسان شعوری است. حد آگاهی بی‌نیاید است. از آگاهی بر سادترین پدیده‌ها تا نفوذ و رسوخ به رمز و راز جهان هستی، هر چه آگاهی عمومی در جامعه بشری بیشتر شود، نزدیکی به خداوری از جهل و آن چهار بیماری فرزند ما کمتر خواهد شد.

دولت‌ها زمین‌بند رشد و گسترش آگاهی عمومی هستند. در کشورهای توسعه‌یافته پیشرفته امروز، آموزش مجالی است و در کشورهای در حال توسعه، آموزش سنتی است. آگاهی است و دلی قوی نیست. دسترسی عمومی به اطلاعات دولتی - به جز اطلاعات ویژه امنیتی - شرط بعدی رشد و گسترش آگاهی عمومی است. انحصار اطلاعات دولتی فقط در برخی حکومت‌ها رایج است. پس وظیفه دولت، آموزش مجالی تا آخرین سطوح و انتشار اطلاعات دولتی است. اگر این دو همراه با آزادی مطبوعات، احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و آواها، آگاهی همگانی در عرصه عمومی، به سرعت رشد و گسترش پیدا می‌کند. جامعه‌ای با ۱۰ میلیون نفر در ۷۷ میلیون نفر، بی‌سواد دارد، یعنی بخش دولتی وظیفه خود را انجام نداده است. همچنین در جامعه‌ای که اطلاعات مربوط به کشور در انحصار ارتش و خاوران باشد، موبد عدم اجرای صحیح وظایف حکومت است. توسعه به‌طور عمده، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و... وابسته به آگاهی عمومی است. از گسترش اطلاعات، آموزش رسانه‌ها هستند. انحصار رسانه‌های قتل محکیم آگاهی عمومی است. توسعه موفق غرب در بخش پیشرفت فیزیکی، آزادی رسانه‌هاست. هر چند در سوزی در محصورا در آمریکا این آزادی با رعایت نمی‌شود - مانند زمان جنگ بوگسلاوی، عراق، لیبی و افغانستان که اطلاعات سانسور شد - یا به‌طور پیچیده‌ای، دور زده می‌شود. ولی عموماً توسعه زمانی مقدور خواهد شد که چرخش اطلاعات، آزاد باشد و آنچه چرخه باطل هائوسر، عقب‌ماندگی و استبداد خواهد چرخید.

رفتارهای عملی مردم هر جامعه‌ای، معیار رشد آگاهی عمومی است. رفتار ترافیکی، رفتار بهداشتی، رفتار اقتصادی، رفتار سیاسی و... مردم در هر جامعه‌ای، حد آگاهی عمومی را در آن جامعه نشان می‌دهد. اگر مردم مقررات ترافیکی را رعایت می‌کنند، یعنی از محبت است. آن آگاه هستند. ولی اگر این رعایت می‌کنند، یا ناآگاه هستند یا در شرایط مستأجل شده‌اند. همچنین اگر مردم مقررات بهداشتی را مراعات کنند، یعنی می‌توانند زین هر زنده‌ای را بند و هم می‌دانند که رعایت آن مفید است و موجب افزایش طول عمر می‌شود. ولی اگر رعایت نکنند، به مفهوم عدم آگاهی آنها نیست. شاید از عهده هزینه‌های این برنامه‌ها، نتوانست آگاهی عمومی کار مشکل و پیچیده‌ای است. در شرایط کنونی ایران، اگر نهاد اجرایی قدرت، رفتارها و رفتارهای سطح آگاهی همگانی است. باید:

- ۱- پراختن نقدی پاره‌پاره قطع شود؛ بهداشت، درمان و آموزش را مجانی اعلام کند و این شغنی است تا نیروی انسانی که قرار است آگاه شود، سالم و تصمیم‌گیرنده شود. این قدم اول است.
- ۲- رسانه‌ها آزاد و انحصار خارج شوند. مصالح، منابع و امنیت ملی از طریق توسعه همه‌جانبه اطلاعاتی، سیاسی، فرهنگی، هنری و... تأمین شود. به از طریق محدودیت‌ها.
- ۳- رسانه‌های رایج را اختیار همه احزاب با یکدیگر بگرد.
- ۴- کالاهای فرهنگی، از سوسید بر خوردار شوند؛ تا ضمن آن که آگاه هستند، آزان هم شوند.

چرا پرچم‌های سفید ما همیشه بالا است؟

سوز و پیشنهادی مصطفی مهر آیین، جامعه‌شناس



به عقیده آقای مهر آیین: بی شک، جامعه امروز ما گرفتار در موقعیتی خاص است. افزایش دامنه و میزان آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، خشونت، تجاوز، قتل، فساد مالی، زدگی، تصادفات رانندگی، طلاق، خودکشی، و سواد پایین معیار برای اثبات این مسئله است. جامعه فاقد خلاقیت، جامعه فاقد توان جستجوی روش‌های نوین، جامعه فاقد توان تبدیل سختی‌ها به فرصت، جامعه فاقد توان ساختن هر موقعیت سخت به فرصتی برای آندیشیدن و... جامعه‌ای است که به آسانی برای حل مشکلات خود دست به دامن بالا بردن تبدیل سختی‌ها به فرصت، جامعه فاقد توان ساختن هر موقعیت سخت به فرصتی برای آندیشیدن و... جامعه‌ای است که به آسانی برای حل مشکلات خود دست به دامن بالا بردن



نظرات جامعه‌شناسان زیر را در باره این سوز در صفحه ۱۱ بخوانید

چهره سوز

ایران؛ ضرورت مهندسی نظم و تخصص‌گرایی

مورن‌شاس آن را رازدار کند. در دنیای جدید، تخصص حرف اول را می‌زند. اما در کشورهای سنتی هنوز هوش به جای تخصص، ساختاری ناپایدار است. کشورهایی که در مسیر توسعه گام برداشته‌اند، این علوم و آگاهی را داشته‌اند. کنه هوش را به تخصص اولویت داده‌اند. چرا که معیار، تنها تخصص است. به این معنی، سواد در دنیای گذشته زینتی بود و هوش افراد در سرنوشت آنها مؤثر بود. اما در دنیای جدید سواد نقش مهمی در مناسبات اجتماعی پیدا کرده و توسعه ذهنی مطرح شده است. توسعه ذهنی همان چیزی است که باعث می‌شود افراد یک‌پارچه می‌شوند و به مذاکره می‌پردازند. پیشیندگی دیگر به دلیل همین توسعه‌یافتگی است که یک عده صلاح در دست می‌گیرند و بی‌دلیل شغل‌ها را قتل عام می‌کنند. تبار به آموزش همواره مطرح بوده است و این نیاز را با تیراز کتاب‌ها می‌سجند. در کشورهای اروپایی تیراز کتاب زیاد است. در افراد خوشان سازندگی طرحی را در دست اجرا داریم که طی آن، صنعت و صنایع باید با دانشگاه از تباط

گپ روز

موانع توانمندی جامعه ایرانی در گفت‌وگو با مصطفی اقلیما
برای توانمندی
برنامه‌نیاز است که نداریم

نگاه‌هایی که از آستان به زمین افتاده است

طرح نو | توانمندی‌سازی جامعه و حرکت در مسیر توسعه بافتگی با برنامه‌ریزی کلان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارتباط مستقیم دارد و بدون برنامه‌ریزی و ترسیم نقشه راه، نمی‌توان برای رسیدن به جامعه‌ای توانمند گام برداشت. «مصطفی اقلیما رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران» گفت‌وگو با «شهرود» موانع جامعه ایران در مسیر توانمندی را بررسی کرده است.

توانمندی در جامعه ایرانی چه تعریفی دارد؟ چه شاخصه‌هایی در توانمندی جامعه تاثیرگذار هستند؟
افراد جامعه ایران به لحاظ توانایی‌های فردی نسبت به جوامع دیگر بسیار توانمندتر هستند. اما توانمندی در جامعه به زیرساخت‌های برای شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های افراد نیاز است. که در جامعه در این حوزه ضعف داریم. در واقع زیرساخت‌هایی که برای استفاده از توانمندی‌های فردی شخاص نیاز است، وجود ندارد.

به عبارتی آن‌هایی که باید در جامعه وجود داشته باشد که افراد بتوانند به واسطه آن از توانایی‌های خود برای بهبود زندگی و رسیدن به رفاه بیشتر بهره ببرند، در جامعه تعریف نشده است. مثلاً کسی که تولیدکننده است وقتی زیرساختی برای بهبود فرآیند کارش مانند تأمین مواد اولیه نداشته باشد، نمی‌تواند توانمند شود.

ما در زمینه‌های بسیاری با مشکل مواجه هستیم؛ برای نمونه در کشاورزی ما زمینه سودآوری برای کشاورزان فراهم است و زمین‌های زراعی قابلیت بهره‌وری مناسب را دارند؟ زمین کشاورزی که مساحت ۲ هکتاری دارد و کشاورزی با درآمدش روی آن کار می‌کند، حتی تکفای گذران زندگی خودشان را هم نمی‌دهد چه برسد به این که سودآوری داشته باشد.

این فرآیند یعنی توانمندی‌سازی در کشاورزی، چیزی که در ایران وجود ندارد. وضع کشاورزی در کشور ما، روزبه‌روز بدتر می‌شود و فاصلان آن، به جای رسیدن به آن، تریج می‌دهند دیگر روی زمین‌هایشان کار نکنند چرا که موانع زیادی بیشتر از سودش است. مهم‌ترین زیرساخت در حوزه کشاورزی، آب است.

مسأله‌ای که هر سال بحران می‌شود، از یک طرف کشاورزان از ناکالی بودن آب اراضی زراعی گلایه می‌کنند و از سوی دیگر دولت برای برطرف شدن مشکل راه‌حلی‌هایی عنوان می‌کند اما مشکل به قوت خود باقی می‌ماند.

ادامه در صفحه ۱۰

